



غدير يك واقعه صرفا تاريخي نيست/ تشنگي وجود خود را با معرفت اهل بيت سيراب كنيم

حضرت آيت الله جوادى آملی با اشاره به اين كه اهل بيت (ع) «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» هستند، گفت: غدیری كه در پيش رو داريم، از اين سنخ است...

آيت الله جوادى آملی:

غدير يك واقعه صرفا تاريخي نيست/ تشنگي وجود خود را با معرفت اهل بيت سيراب كنيم
حضرت آيت الله جوادى آملی با اشاره به اين كه اهل بيت (ع) «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» هستند، گفت: غدیری كه در پيش رو داريم، از اين سنخ است، آن تاريخ را بيش از هزار بار گفتند و نوشتند، چون از آن تاريخ هزار سال گذشت، عمده آن است كه مقام و جاگاه امامت را بفهميم. به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، حضرت آيت الله جوادى آملی امروز در مسجد اعظم به تفسير آيات پايانی سوره مباركه سبأ پرداخت و با اشاره به آيه «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» گفت: اجرخواهی پیامبر (ص) از امت در سه طایفه آيات است، آيات دسته اول آن است كه به پیامبر (ص) گفته می شود تو از مردم اجر نمی خواهی، «وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» و پیامبر (ص) هم همین معنا را تأیید می کند. وی افزود: طایفه دیگر آيات آن است كه حضرت از مردم چیزی طلب می کند و آن مودت قربی است، در سوره مباركه شوری به اين صورت آمده است كه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»، یا در سوره مباركه فرقان قریب به همین مضمون آمده است كه من اجری از شما نمی خواهم مگر کسی كه بخواهد به سوی ذات اقدس اله راهی را طی كند كه اين در آيه 57 سوره مباركه فرقان ذكر شده است.

مفسر برجسته قرآن با اشاره به اين كه دسته سوم آيات درباره اجر پیامبر (ص) مفسر و شارح دو دسته ديگر است، ابراز كرد: نسخی و تناسخی در كار نيست بلكه شرح و تبیین گروه های ديگر آيات درباره اجرخواهی پیامبر (ص) است، به پیامبر (ص) می گوید كه مودت اهل قربی برای شما است، یعنی مانند اين است كه طبيب كه برای بیمار نسخه می نویسد بگوید من كه چیزی نمی خواهم بلكه می گوید اگر به ترجمه كننده اين نسخه عمل كنید، به درد خود شما می خورد، تنها حرف آن طبيب اين است كه به حرف ترجمه كننده آن نسخه توجه كنید، اين چیزی به سود آن طبيب بر نمی گردد و اين به دستور خود خدای سبحان است.

تاريخ غدیر را بسيار برای ما گفته اند

وی بیان كرد: در دعای ختم قرآن كه در صحيفه سجادیه آمده است كه «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُجْمَلًا، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِيهِ مُكْمَلًا، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُقَسَّرًا» یعنی بارالها تو قرآن را بر پیامبرت مجمل و سربسته نازل كردی، دانش عجایبش را به طور كامل به او الهام فرمودی، و علم آن را با تفسیرش به ما به ارث دادی، قرآن قانون اساسی است و قانون اساسی کلیات است، جوامع الكلم باید کلیات را بیان كند.

حضرت آيت الله جوادى آملی با اشاره به اين كه خداوند از راه وحی اين كلمات جامع و قانون اساسی را به پیامبر (ص) داد، افزود: ذات اقدس اله از راه الهام معارف قرآن را به پیامبر (ص) آموخت تا معارف را برای مردم تبیین كند، «و وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُقَسَّرًا» همه اهل بيت (ع) جزو نگاران به مكتب نرفته اند و از خداوند به برکت پیامبر (ص) و از راه وحی علم تفسير قرآن را دارند، امام سجاد (ع) می فرماید كه ما می خواهیم كاری كنيم كه از كوه بر نمی آید، «حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهُمْ عَجَائِيهِ، وَ زَوَاجِرُ امْتَالِهِ الَّتِي ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنْ احْتِمَالِهِ» می فرماید توفیقي عطا كن كه معارف را درك كنيم، كه كوه نمی تواند اين بار را حمل كند، كوه نمی تواند حقایق قرآن را درك كند.

وی تأکید كرد: ما هم باید در دامنه اين قله باشیم، بالاخره اگر کسی بخواهد تشنه نباشد و نمیرد باید به دامنه اين كوه سر بزند و از چشمه های اين كوه استفاده كند، اهل بيت (ع) همه شان «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» هستند، فرمود ما كاری می كنيم كه از كوه بر نمی آید، بنابراین غدیری كه در پيش رو داريم، از اين سنخ است، آن تاريخ را بيش از هزار بار گفتند نوشتند، چون از آن تاريخ هزار سال گذشت، عمده آن است كه مقام و جاگاه امامت را بفهميم، بفهميم كه اهل بيت (ع) چه قدر سخنگوی خدا هستند و چه گونه قرآن را می فهمند، اهل بيت (ع) از راه علم الدراسه نرفتند، بلكه دارای علم الوراثة هستند، در علم الوراثة پیوند با خداوند برقرار می شود.

تشنگي وجود خود را با سرچشمه معرفت اهل بيت سيراب كنيم

مؤلف كتاب مفاتيح الحیاة با اشاره به اين كه ارتباط ما با اين خاندان ارتباط کسی است كه تشنه است اما در عين حال به همه چشمه ها وصل است، ادامه داد: سخن خداوند كه قطع نمی شود، فرستادن پیامبران كه تمام نمی شود، غدير یعنی همچو چیزی، تنها شخص علی (ع) وجود مبارك حضرت معیار نيست، بلكه آن امامت و مقام ولایت و عصمت الهی حجت است، وجود مبارك

پیامبر(ص) در همان روزهای آغازین پیامبر مسأله جانشینی خودش را مطرح کرد، در یوم‌الانذار گفت که اگر کسی به من ایمان بیاورد وصی و جانشین من است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: مشرکان خلط بین تکوین و تشریع کردند و گفتند «لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا حَزَمْنَا مِنْ شَيْءٍ» این یک حرف غلط و یک نوع اباحه‌گری است، این همه معاصی که در عالم می‌شود و راهزنی‌ها چرا خداوند جلوی‌شان را نگرفته است؟، این یک نوع اباحه‌گری است، حلال و حرام و باید و نبایدها امر اعتباری است، هر امر اعتباری باید به یک امر حقیقی بازگردد، انسان یک موجود حقیقی است و کمال موجود حقیقی حقیقی است، راه بین متکامل و کمال حقیقت است، یعنی همه این اصول به بود و نبود بازمی‌گردد نه به باید و نباید، این باید و نبایدها همه از حقیقت گرفته شده و آن حقیقت در اختیار خداوند است که به اهل‌بیت(ع) فرمود، هرگز امور اعتباری موجب تکامل موجود حقیقی نمی‌شود. حضرت آیت‌الله جوادی آملی خاطرنشان کرد: اگر باید و نباید اعتباری و قرارداد بشری بود هیچ کمالی برای بشر نمی‌آورد، اما اگر یک پشتوانه حقیقی داشت این امور اعتباری و باید و نباید چون به یک حقیقت تکیه می‌کند و آن حقیقت با حقیقت ما رابطه دارد سبب کمال ما است، این‌که وجود مبارک یکی از معصومان(ع) فرمود که باطن گناه زباله است این یعنی حقیقت است، در حدیث دیگری آمده است که استغفار کنید و گر نه بوی بد گناه شما را رسوا می‌کند.

عقل چراغ است و نه راه‌ساز

وی با قرائت آیه «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ» اظهار کرد: خداوند می‌فرماید وقتی حق آمده است، این طور نیست که حق التقاطی و تلفیقی باشد، حق سازشکار نیست که با باطل سازگار باشد، اصلاً با باطل سازگار نیست، لذا جا برای باطل در نظام حق نیست، نه باطل کهنه‌شده و نه باطل تازه درآمده است، در نامه امام علی(ع) به مالک است که بدترین وزرا وزرای سابق است، اگر آن‌ها به کار گرفته شود این اعاده باطل است، وقتی باطل مرد نه جا برای نوآوری اوست و نه جا برای بازگشت مطالب کهن است.

استاد درس خارج حوزه علمیه با قرائت آیه پنجاهم سوره سبأ یعنی «قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ» گفت: بگو اگر گمراه شدم به ضرر خودم گمراه شدم، نبادا بگویند مجبور بودم در گمراهی، اگر فردی بعد از تبیین حق و تبیین رشد و غی گمراه شد به اختیار خود اوست، در این آیه می‌فرماید ای پیامبر بگو اگر من گمراه شدم، خودم گمراه شدم و این گمراهی به زیان خود من است، من اگر گمراه شدم اسناد ضلالت به من حق است، اما اگر من هدایت شدم من مبدأ قابلی هستم اما راهنما دارم، به این دلیل که در حوادث این عالم بسیاری چیزها را نمی‌دانم، من نمی‌دانم از کجا آمدم و به کجا می‌روم، با اسرار جهان آشنا نیستم، من هستم و انباری از جهالت‌ها، کدام حیوان حلال است، کدام حیوان حرام است، همچنین پیام دیگر این آیه آن است که اگر من هدایت شدم درست است که هدایت شدم اما جبر نیست.

وی ادامه داد: اگر راهنما نباشد و راه را نشان ندهد نمی‌توانیم صراط مستقیم را بییماییم، ما چراغ دستان است، عقل سراج است و نه صراط، عقل که راه‌ساز و مهندس نیست، عقل چراغ است و راه‌ساز است، پس یک مهندس و یک راه و یک راه‌سازی هست، بالاخره ما یک مهندس می‌خواهیم، این چراغ دست ما است، ما خودمان گمشده‌ایم، ما نمی‌دانیم از کجا آمده‌ایم و کجا می‌خواهیم برویم، انسان اگر عاقل است نباید هیچ تکانی بخورد اما وقتی مهندس آمد و به وسیله عقل و نقل راه نشان داد، باید حرکت کند و برود در صراط مستقیم، اهل‌بیت(ع) خودشان مهندس هستند، خودشان که نیاز به راه ندارند، بلکه خودشان راه‌سازند، خودشان مسیری را می‌روند و همان راه می‌شود. 914/پ 201/ج